

این دست نداشتیم. اما بسیج شهروندانی که به خواندن عناوینی چون اعمال نفوذ و ارتشا در روزنامه‌ها عادت کرده‌اند، بدون ضربه بحران مالی سال ۱۹۹۷، به چنین شتابی نمی‌رسید؛ بحرانی که رکود اقتصادی بسیار شدیدی که از سال ۱۹۵۳ سابقه نداشت، به بار آورد. بسیاری معتقدند سیاست‌هایی که موجب تقویت ثباتی دولت، مجتمع‌های صنعتی و بانک‌ها شد، به بحران دامن زد. کیم یونگ را، استاد علوم سیاسی دانشگاه آجو در سوون، می‌گوید: «مسئولیت بحران به گردن سیاستمدارانی بود که به اعمال نفوذ در نظام اقتصادی می‌پرداختند.» در جولای سال ۲۰۰۰، در گزارش موسسه پژوهش اقتصادی کره چنین آمده بود که فساد، رشد اقتصاد ملی را تا ۱/۵ درصد کاهش داده است.

و و پیل هو، هماهنگ‌کننده همبستگی مردمی برای مردم سالاری مشارکتی (PSDD)، می‌گوید: «انتخابات سال جاری را برای پایان بخشیدن به دور باطل انتخاب مجدد افراد درگیر دادوستدهای فاسد، انجام دادیم.»

در پی برگزاری انتخابات، مشکلات داخلی بخش مدنی، خود خطر به بی‌راهه کشاندن این مردمی نوپا را پدید آورد. برخی از رهبران برجسته مردمی، درگیر رسوایی‌هایی چون پذیرش پول از شرکت‌هایی بودند که افراد با نفوذ را می‌پذیرفتند (شرکت‌هایی که در صدد خرید نفوذ بودند). یکی از مقامات ائتلاف شهروندان برای

انتخابات عمومی سال ۲۰۰۰، به سبب دریافت رشوه‌های کلان از یکی از نامزدهای انتخاباتی، دستگیر شد. در عین حال، نمایندگان شورای ملی مشتاق‌اند که اصلاحات ضد فساد موعود را به آن سوی مرزهای بین احزاب گسترش دهند؛ عملی که زمانی در امور سیاسی کره حتی قابل تصور نبود.

«انتخابات سال جاری را، برای

پایان بخشیدن به دور باطل

انتخاب مجدد افراد درگیر داد

و ستدهای فاسد، انجام دادیم.»

اما آنها با مخالفت شدید محافظه‌کاران خواهان یکپارچگی حزب، رویه رو شدند. گرچه رئیس جمهور کیم، قول حمایت از لایحه اصلاحات انتخابات را داده، شورای دچار تشمت و تفرقه که در آن هیچ حزبی از اکثریت مطلق برخوردار نیست، بخش اعظم سال را در بن بست مذاکراتی قرار داشت. در ماه نوامبر، پس از برملا شدن یک رشوه‌گیری دیگر، رئیس جمهور، دوباره بر عزم دولت خود مبنی بر «بسیج دادستان‌ها، پلیس و ناظران مالی برای ریشه‌کن سازی نهایی فساد، به امید اینکه این دیگر آخرین مبارزه باشد، تاکید کرد. سازمان‌هایی مانند شبکه ضد فساد کره می‌دانند

که تحقق رسالتشان مستلزم دگرگونی‌های عمده در ساختار اجتماعی است. کیم، یکی از اعضای این سازمان، می‌گوید: «ما باید ساختار اجتماع و ذهنیت مردم را تغییر دهیم.» او به جای ابتکار عمل فردی بر ابتکار عمل گروهی تأکید می‌کند. «نظام ما در جهت حمایت از فساد، عمل می‌کند. هر کس می‌تواند فساد را برملا کند ولی در این صورت طرد می‌شود.»

موفقیت ائتلاف شهروندان برای انتخابات عمومی سال ۲۰۰۰، گروه‌های نخبه مدنی را به تشکیل «ائتلاف همبستگی اجتماعی مدنی کره»، ترغیب کرد. این ائتلاف دائم، درصدی به تصویب رساندن قانونی است که براساس آن سیاستمداران باید اموال و دارایی‌های خود را گزارش کنند. آنها همچنین باید ساختارهای دموکراتیک حزبی را تضمین کنند. این امر، به ویژه از حیث نامزدی در انتخابات و مشارکت عمومی گسترده‌تر در نظارت و ارزیابی مقامات منتخب، دارای اهمیت است.

کره به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای آسیا با نظام مردم سالاری جوان، به دقت مورد توجه سایر کشورهای این قاره است. کیم می‌گوید: «الگو بودن می‌تواند از فعالیت‌های مهم سازمان‌های غیر دولتی کره‌ای باشد. به عقیده ما، کشورهای دیگر هم می‌توانند به چنین فعالیت‌هایی دست بزنند ولی موقعیت‌شان منوط به قدرت جامعه مدنی آنهاست.»

اخلاق سیاسی یورش به فسادهای دولتی

مبارزه تایلندی‌ها برای دستیابی به سیاست سالم

اکنون ناظران، سلاح لازم را برای مبارزه با فساد دارند اما سیاست سنتی، یکشبه ناپدید نمی‌شود. عده‌ای معتقدند که این امر با چیزی کمتر از انقلاب در فرهنگ سیاسی، تحقق نمی‌یابد.

لارنس و. سرشتاپوترا

روزنامه‌نگار نشریه بانکوک پست

کمیسیون ملی مبارزه با فساد، «اتفاق نظری گسترده درخصوص مبارزه ملی با فساد با هدف اصلاح کل ساختار جامعه وجود دارد.» نتایج یکی از نظرسنجی‌های اخیر حاکی از آن بود که تایلندی‌ها فساد دولتی را سومین مشکل عمده کشور می‌پنداشتند، یعنی پس از بحران اقتصادی و افزایش هزینه‌های زندگی و پیش از معضل مواد مخدر. این گرایش نیرومند به دگرگونی، حاصل فرایندی طولانی است؛ فرایندی که در اواخر دهه ۱۹۷۰، در پی موافقت ارتش با تقسیم قدرت آغاز شد. از آن زمان، تایلند، شاهد رشد جامعه مدنی بوده است. این کشور، به بازیگری در صحنه سیاسی بدل شده و به ویژه، به اتخاذ موضعی قدرتمند بر ضد کودتای نظامی نافرجام مه ۱۹۹۲ پرداخته است. آنچه سی سال پیش تحمل می‌شد و پذیرفته شده بود دیگر پذیرفتنی نیست.

دموکرات، پس از این که کمیسیون ملی مبارزه با فساد (NCCC)، او را به جعل اسناد وامی ۱/۲ میلیون دلاری متهم کرد، ناچار کناره‌گیری شد. رخداد مهم دیگر، شورش در استان جنوبی ناکهون سی تامارات بود که در اوایل ماه سپتامبر، به سبب فساد پلیس، به وقوع پیوست.

حادثه‌ای که کاسه صبر را لبریز کرد

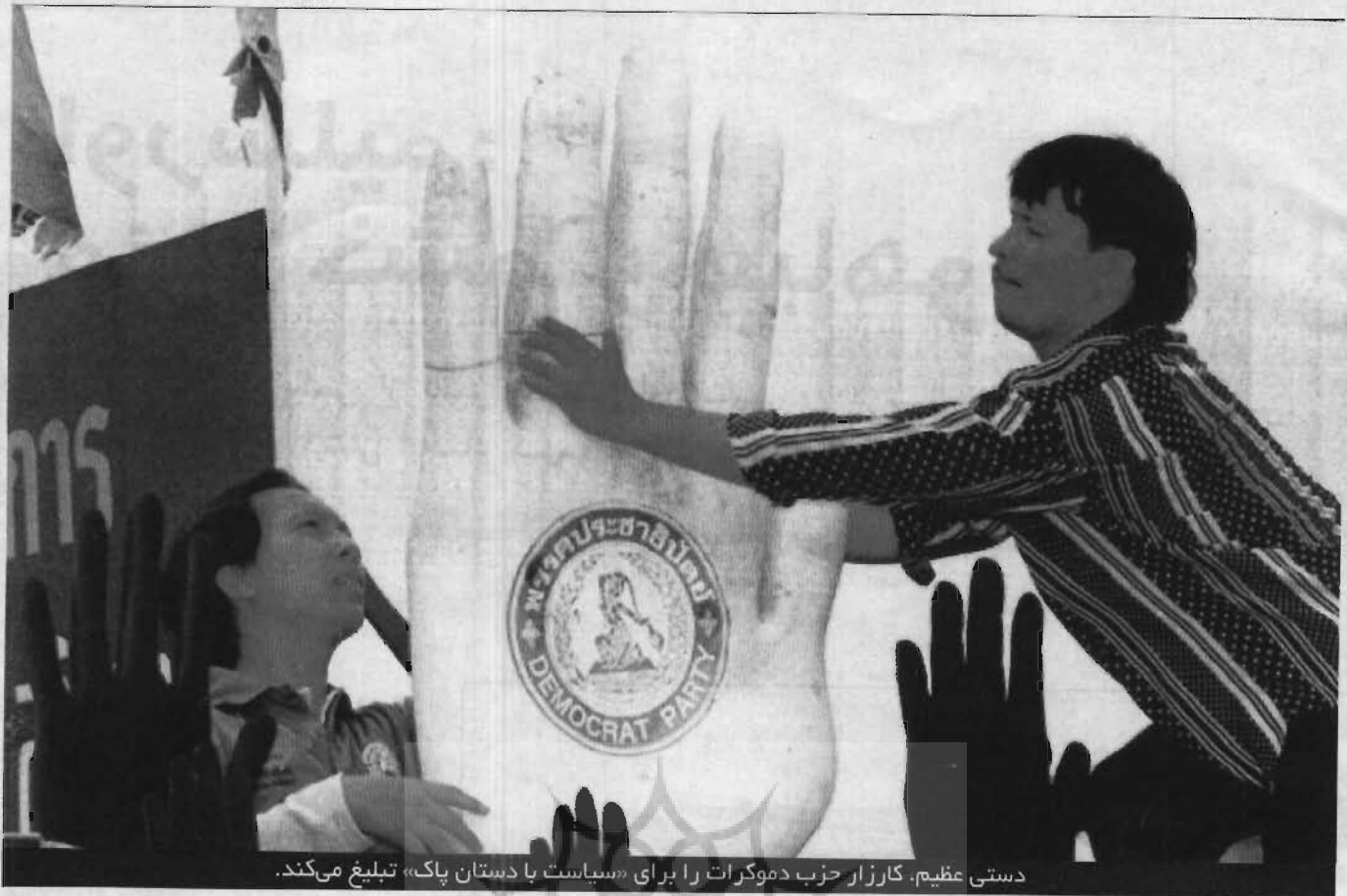
در کشوری که فساد، ۱۰ تا ۲۰ درصد بودجه ملی (معادل ۲/۲۵ تا ۴/۵ میلیارد دلار) را می‌بلعد، فهرست رسوایی‌ها هر روز طولیل‌تر می‌شود.

پاسوک فونگپای چیت، استاد اقتصاد دانشگاه چولالونگکورن بانکوک و مؤلف چندین کتاب در زمینه فساد، می‌گوید: «واضح است که اتفاقات، مثل حلقه‌های زنجیر به هم متصل بود.» به عقیده تنظیم‌کنندگان برنامه

در تایلند، روزی نیست که رسانه‌ها حکایتی جدید از فساد منتشر نکنند. برخی انقلابی را در شرف وقوع می‌بینند حال آنکه دیگران، نسبت به فایده یورش به مرضی چنین ریشه‌دار، تردید دارند. به راستی آنان که علم مبارزه با فساد برافراشته‌اند، از چه فرصت‌ها و موقعیت‌هایی برخوردارند؟

اگر امسال اوضاع به همین منوال باشد، شاید هم آنها بر اوضاع مسلط شوند. در ماه مارس، نخستین انتخابات جنجالی براساس آرای مردم، به نمایش و برنامه هر روزه تمام عیاری بدل شد. به دستور کمیسیون تازه تأسیس انتخاباتی، به علت بی‌نظمی یا خرید آرا، بیش از نیمی از رقابت‌های انتخاباتی مجدداً صورت پذیرفت. سرانجام، برای اشغال تمام کرسی‌ها، در پنج نوبت رای‌گیری شد.

در اواخر همان ماه، سنان کچرن پاسارات، وزیر قدرتمند کشور و دبیر کل حزب حاکم



دستی عظیم. کارزار حزب دموکرات را برای «سیاست با دستان پاک» تبلیغ می‌کند.

و همه - حتی پزشکان، آموزگاران و راهب‌ها - را مبتلا کرده است. راهب‌ها در بسیاری از رسوایی‌های اخیر دست داشته‌اند هر چند هنوز هم قانون، تفحص درباره‌ی مصاد را ممنوع اعلام می‌کند.

ابهیست و جاجیوا، رئیس دفتر نخست وزیر، می‌گوید: «برای مردم، درک این نکته بسیار دشوار است که آنچه تمام عمر کرده‌اند، در واقع، غیر قانونی است و می‌تواند پایشان را به دادگاه باز کند. در حقیقت، باید فرهنگ سیاسی را دگرگون کرد که این هم کار ساده‌ای نیست.»

وظیفه‌ای دلهره‌آور در انتظار بازرسان
بسیاری از جنبه‌های فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی تایلند، مشوق فساد است. از جمله این جنبه‌ها می‌توان از احترام به مقامات، تنفر از رودررویی و اعتقاد به تقارن ثروت از یک سو و مقام برخوردار از نفوذ و قدرت از سوی دیگر، نام برد. شاید وظیفه‌ی پیش رو دلهره‌آور بنماید. کرپشیک فیاسریتهم، رئیس اسبق دانشگاه «تماست» و عضو کمیته‌ی ملی مبارزه با فساد است. او که برای به کرسی نشاندن دیدگاه خود، به سرعت آمار و ارقام را ذکر می‌کند، می‌گوید: «تا به حال کار چندانی نکرده‌ایم، ۶۰ درصد از نمایندگان مجلس و ۳۰ تا ۴۰ درصد از سناتورها فاسدند. باید مواظب پنج هزار نفر باشیم. از بین ۳۳۰۰ پرونده‌ای که به ما رسیده، تا اینجا، فقط به ۷۰۰ پرونده رسیدگی شده.» روشن است که مبارزه‌کنندگان با فساد، هنوز نمی‌توانند ادعای پیروزی کنند ولی پاکسازی تمام عیار، آغاز شده است. ■

راه اصلاحات سیاسی امکان‌پذیر است. تدوین قانون اساسی جدید (شانزدهمین قانون اساسی در تاریخ کشور)، روند حوادث را شتاب بخشید. این امر باعث تأسیس نهادهای نظارت‌کننده و برقرارکننده‌ی موازنه‌ی جدیدی شده است. از جمله این نهادها می‌توان از دادگاه قانون اساسی، کمیسیون ملی مبارزه با مفاسد، کمیسیون ملی انتخابات و کمیسیون حقوق بشر نام برد.

پارلمان نیز با تصویب قانون دسترسی همگان به اسناد اداری، کار را پیگیری کرد. فونگ پایچیت می‌گوید: «قانون اساسی جدید، به ارائه‌ی راه کارهای قانونی برای تفحص درباره‌ی کارگزاران دولت می‌پردازد. این امر، پس از شکایت شهروندان و سازمان‌ها، عملی می‌شود.» کمیسیون ملی مبارزه با مفاسد، می‌تواند وکلای مجلس، سناتورها و وزرا را تعقیب و مجازات و در این راه از چندین حربه‌ی قانونی استفاده کند. مخوف‌ترین این حربه‌ها، الزام به افشای دارایی‌ها و اموال - که تاکنون سر چند نفر را به باد داده - و نیز قانون موسوم به «امضای پنجاه هزار نفر» است؛ قانونی که مقامات را وادار به تحقیق و بررسی درباره‌ی افراد مظنون به فساد می‌کند. اما استفاده از این حربه‌ها چندان سهل نیست. دیوندن نیکومبوریراک، عضو بنیاد پژوهش و توسعه تایلند، می‌گوید: کسی که می‌خواهد عریضه‌ای را به جریان بیندازد، باید اول، در برابر سنا حاضر شود و ثابت کند که حداقل پنجاه هزار امضای گردآوری شده، واقعی است.»

از این نکات عملی که بگذریم، چنین احساس می‌شود که فساد، عمیقاً ریشه دوانده

در این دوره دگرگونی، چند رهبر سیاسی از جایگاهی ممتاز برخوردار بودند. در نوامبر ۱۹۸۵، چامانگ سری موآنک، از فرماندهان اسبق ارتش و مردی جدی و سخت‌گیر، محبوب‌ترین شهردار بانکوک شد. چند سال بعد، افسر پلیسی به نام پارتین سانتی پراپوپ - معروف به «آقای سالم» - به عملیاتی کارساز برای سرکوب قاچاق

تاکنون، الزام به افشا کردن اموال و دارایی‌ها، سر چند نفر را به باد داده است.

پر سود الوار در سطح ملی، دست زد. سپس، در سال ۱۹۹۷ دو رخداد، تاریخ تایلند را رقم زد: یکی بحران اقتصادی آسیا و دیگری تصویب قانون اساسی جدید. به نظر فونگا پایچیت، «وقتی اوضاع خوب بود، مردم حیف و میل ناشی از رشوه‌خواری را تحمل می‌کردند ولی در بحران اقتصادی، کاسه صبرشان زود لبریز می‌شود.»

در جولای ۱۹۹۷، کاهش ارزش چهل درصدی پول ملی به رکودی انجامید که میلیون‌ها نفر را بی‌کار کرد. اما این بحران، راهی برای اصلاحات و تجدید ساختار گشود، به ویژه در بخش مالی که در آن پنهان‌کاری، مشوق فساد بود. مردم می‌دانستند بهبود اقتصاد، تنها از